



لذت و سعادت

از دیدگاه قرآن کریم

از آیت الله العظمی محمد باقر مجلسی



مقدمه:

فطرت، لذات دنیایی و لذات آخرتی، پایداری و حقیقت لذت‌ها و سعادت‌ها.

لذت و سعادت از دیدگاه قرآن کریم:

با بررسی آیات قرآن کریم در ارتباط با لذت و سعادت انسان برای ارائه دیدگاه قرآن درمی‌یابیم که قرآن کریم نه تنها این میل طبیعی انسان را انکار نمی‌کند، بلکه یک سلسله از تعالیم خود را براساس آن مبتنی می‌کند، یعنی وقتی انسان را به پیروی از دستورهای خدا تشویق می‌کند وعده می‌دهد که اگر این راه را بیمایید به لذت و سعادت می‌رسید، و همین طور کسانی را که از این راه سرپیچی می‌کنند به دوری از لذات و ورود به عذاب و درد و بدبختی، تهدید می‌کند. سراسر قرآن آکنده از بشارت به سعادت و لذت، و انذار از عذاب و شقاوت است. در همه مواردی که تعبیرهای سعادت، فلاح، فوز، فرح و امثال آنها در آیات به کار رفته معنایش همین است که چون طالب سعادت و فوز و کامیابی و خوشبختی است باید به دستورهای دینی عمل کند تا به آن فوز مطلوب برسد.

یکی از گرایش‌های فطری انسان، گرایش به لذت و خوشی و راحتی است که با فرار از درد و رنج و ناراحتی، همراه است. معنای فطری بودن این گرایش آن است که ساختمان روح انسان طوری است که نمی‌تواند از لذت و خوشی صرف‌نظر کند و یا این که طالب رنج و مشقت و سختی باشد و از این روی خود به خود جزو قلمرو اخلاق نیست، یعنی نمی‌توان کسی را مذمت کرد که چرا طالب لذت و خوشی است یا کسی را مدح کرد برای اینکه طالب لذت است یا از درد و رنج می‌گریزد، مساله سعادت جدای از لذت نیست، حقیقت سعادت، بازگشتن به این است که انسان لذت دائمی و فراگیر داشته باشد، خوشبختی و سعادت چیزی جز این نیست که انسان بتواند لذت دائمی و پایدار و همه‌جانبه ببرد، و این که لذت و سعادت را با هم ذکر می‌کنیم به خاطر همین است.

واژه‌های کلیدی که در این موضوع قابل توجه است عبارت است از لذت، سعادت و خوشبختی

«فاما الذين شقوا ففى النار لهم فيها زفير و شهيق»^(۱) همین طور در اوصاف بهشت آمده است که (در آنجا رنج و سختی نیست، «لایسنا فیها نصب و لایسنا فیها لغوب»^(۲)) آن هم بعد منفی قضیه است. هر یک از این گرایش‌ها مزدوج هستند: یک جهت اثباتی دارند و یک جهت غیراثباتی، یک قطب مثبت دارند و یک قطب منفی، لذت طلبی در مقابلش فرار از رنج و الم و سختی است. شما که طالب آن گونه زندگی هستید که خالی از رنج و مشقت باشد این زندگی در آخرت برای مومنین فراهم می‌شود. هم‌چنین تعبیر حیات در آیه «ولنحییته حیاة طیبه»^(۳) انسان را تشویق می‌کند که ایمان و عمل صالح داشته باشید تا خدای متعال حیات طیب و زندگی خوش و با لذتی به شما عطا فرماید. قرآن کریم مردم را به ایمان و عمل صالح دعوت می‌کند و به پاداش اخروی که لازمه‌اش سعادت و لذت است بشارت می‌دهد. پس چنین نیست که لذت‌طلبی فی حد نفسه یک امر نامطلوب باشد. پس مذمت لذت‌خواهی و لذت‌جویی برای چیست؟

عقل نگرش منفی به لذت‌ها:

مذمت‌هایی که در باره پیروی از لذت‌ها می‌شود از چند چیز نشأت می‌گیرد. در این موضوع سه نکته قابل طرح است.

• نکته اول:

علاوه بر بیانات کلی که در این زمینه هست و نیز انواع بشارت‌هایی^(۱) که به نعمت اخروی و دنیوی داده شده یا اندازهای^(۲) که از عذاب‌های دنیوی و اخروی شده، در بعضی از موارد تعبیر (لذت) به کار برده شده است. در قرآن آمده است: «فیها ما تشتهی الانفس و تلذ الاعین»^(۳) و در جای دیگر قرآن آمده «وانهار من خمر لذه للشاربین»^(۴) بهشتی که ما به شما وعده می‌دهیم و پاداش کارهای خیرتان می‌باشد جایی است که هرچه دلتان می‌خواهد در آنجا هست هرچه اشتها دارید (اشتها و شهوت از یک ماده است) هرچه دوست دارید و هرچه میل به آن دارید و هرچه چشم‌هایتان از آن لذت می‌برد در آنجا هست (وتلذ الاعین) پس، این که شما طالب لذت باشید عیبی ندارد و چون شما فطرتاً طالب لذت هستید خدا شما را به چیزی که لذت فوق‌العاده‌ای دارد وعده می‌دهد.

قرآن در مدح کسانی که عبادت و شب‌زنده‌داری می‌کنند می‌فرماید: «فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قره اعین»^(۵) یک چشم روشنی برای ایشان پنهان شده که دیگران اطلاع ندارند و هیچ کس نمی‌تواند بفهمد که آن چه چیزی است.

تعبیر سعادت هم در یک مورد هست: «اما الذین سعدوا ففی الجنة»^(۶) و در مقابلش هم

توجه انسان به لذت‌های آنی و زودگذر، او را از لذت‌های مطلوب‌تر و مهم‌تر غافل می‌کند. انسان وقتی لذتی را درک کرد علاقه‌مند می‌شود که از آن استفاده کند و توجهش به طرف آن، جلب می‌شود و در نتیجه از لذت‌های ارزنده‌تر که هست و می‌تواند از آنها بهره‌مند شود محروم می‌شود؛ به عبارت دیگر، انسان نمی‌تواند در این جهان از همه لذت‌ها یک جا استفاده کند و از همه آنچه که لذت دارد بهره‌مند بشود، ناچار باید انتخاب کند. در این انتخاب است که دچار اشتباه و لغزش می‌شود؛ گاهی لذت‌های کم ارزش را ترجیح می‌دهند چون به آنها جلب شده و با آنها انس گرفته‌اند و این از اموری است که منشأ ارزش منفی می‌شود.

● نکته دوم:

انسان فکر می‌کند که می‌تواند زندگی بدون سختی و زحمت داشته باشد. چون لذت دائمی می‌خواهد از هر چیزی که موجب رنج و مشقت می‌شود فرار می‌کند، غافل از اینکه زندگی، توأم با رنج و زحمت است. قرآن کریم روی این مسأله تکیه می‌فرماید که زندگی انسان توأم با مشقت است، باید بفهمیم و بپذیریم که زندگی بی‌رنج میسر نمی‌شود [لقد خلقنا الانسان في كبد]^{۱۱} پس ناچار باید بین لذت‌ها که همه آنها کمابیش توأم با رنج‌هایی هستند و مقدمات

رنج‌آوری دارند، انتخاب کنیم و آن را که اصلاح و مطلوب‌تر است برگزینیم.

● نکته سوم:

انسان از آغاز پیدایش، لذت‌های خود را نمی‌شناسد و استعداد درک همه آنها را ندارد. در ابتدا لذت خوردن و آشامیدن را درک می‌کند، سپس لذت بازی را و آنگاه که به سن بلوغ می‌رسد لذت جنسی را می‌فهمد. این طور نیست که از آغاز پیدایش، همه لذت‌هایی که برای انسان به طور کلی میسر است، بشناسد. یک سلسله لذت‌هایی است که به طور طبیعی برای انسان پیدا نمی‌شود. انسان‌های متعارف و سالم در سنین خاصی خود به خود لذت‌های مذکور را درک می‌کنند ولی یک سلسله لذت‌هایی است که باید خود انسان تلاش کند تا استعداد آنها را بیابد، مانند لذت انس با خدا و تقرب الی الله و تلاوت کلام الله و ... اینها هم لذت‌های انسان است که خود به خود پیدا نمی‌شود اگر انسان تلاش نکند و استعداد درک این لذت‌ها را پیدا نکند و فقط به لذت‌های طبیعی دل ببندد منشأ ارزش منفی می‌شود ولی اگر انسان تلاش کرد و قوا و استعدادهايش را برای درک لذت‌های متعالی به کار گرفت و آنها را پیدا کرد و فهمید که چنین لذت‌هایی وجود دارد هرچند هنوز نجشیده باشد باید به فکر این باشد که به آنها نایل بشود و در هنگام گزینش نباید از آنها غفلت کند.

فرض کنیم دو لذت از نظر زمان مساوی باشند اما از نظر شدت و ضعف با هم تفاوت داشته باشند، یکی توأم با آلام است و دیگری چنین نیست و به فرض این که هیچ کدام توأم با آلام نباشد یکی شدیدتر است و دیگری ضعیف‌تر، انسان به حکم عقل باید آن را که شدیدتر است انتخاب کند و اگر یکی از دو لذت مشابه، توأم با آلام باشد و دیگری نباشد لذتی را برگزیند که توأم با رنج نباشد.

- توضیح آن که انسان در مقام هست همواره لذت آنی و زود دست یافتنی را انتخاب می‌کند علت دین‌گریزی مردم نیز همین است. چون وعده خدا نسیه است ولی لذت‌های دنیا نقد است پس انسان بالطبع لذت‌های آنی را انتخاب می‌کند اما به حکم خرد، یعنی در مقام باید، باید لذت‌های شدیدتر و پایدارتر و غیر توأم با رنج را انتخاب کند.

ظاهراً واژه خیر در این گونه آیات اشاره به این است که لذت‌های اخروی شدت بیشتری دارد و توأم با آلام نیست پس هر دو ملاک راه قرآن مورد توجه قرار داده است: هم ضعف و شدت را و هم دوام و عدم دوام را.

قرآن کریم می‌فرماید: (شما به حسب طبعتان طالب لذت‌های مادی و دنیوی هستید در صورتی که لذت آخرت بر لذت دنیا رجحان دارد)^(۱۱) با توجه به این نکته که لذت‌ها متزاحم هستند و همزمان نمی‌توان همه لذت‌ها را کسب کرد، پس می‌بایست لذت راجح را انتخاب نمود، اگر این کار انجام نگیرد کار بی‌ارزش بلکه ضدارزشی انجام یافته است. پس باید این را پذیرفت که لذت‌های راجح را مقدم بداریم و لذت‌های مرجوح را فدای لذت‌های راجح کنیم. چون انسان طالب زندگی پایدار است خدای متعال او را راهنمایی می‌کند که زندگی آخرت پایدارتر است. این مسأله یک بعد دیگر هم دارد و آن این است که لذت‌ها و سعادت‌های اخروی از لذت‌های دنیا بهتر است. توضیح آنکه رجحان حیات اخروی بر حیات دنیوی تنها به خاطر ابدی بودن و پایدارتر بودن آن نیست بلکه مزیت دیگری هم دارد: (خَيْرٌ وَ أَبْقَى)،^(۱۲) هم بهتر و هم پایدارتر است؛ این آیه، اشاره به این دارد که در مقام ترجیح یکی از دو لذت بر دیگری، دو معیار وجود دارد: (یکی دوام و عدم دوام و دیگری کیفیت لذت و ضعف و شدت آن). انسان که بر اساس فطرت طالب لذت است [عقل او حکم می‌کند که] لذت یک ساله را بر لذت یک ساعته ترجیح دهد، حال اگر

عقل و معرفت در مواجهه با لذت

انسان برای رسیدن به لذت‌های ارزشمند، باید سختی‌هایی را تحمل کند، به عنوان نمونه زحمت‌هایی که کارگران و کشاورزان می‌کشند به خاطر این است که به دنبال آن به راحتی و خوشی برسند. اگر چنان بود که انسان هیچ لذتی از زندگی نمی‌برد، هیچوقت حاضر نبود که رنج کار و کوشش را بر خود هموار کند، پس تحمل رنج و زحمت به خاطر رسیدن به لذت بیشتر و بهتر، کاری است که همه انسان‌ها انجام می‌دهند اما در یک حوزه محدود، (این در مورد لذت‌های مادی و دنیوی است.) اما وقتی نوبت به مسائل اخروی و لذت‌های معنوی می‌رسد غالباً سستی می‌کند، یعنی حاضر نیستند برای رسیدن به لذات اخروی رنج‌های این جهان را تحمل کنند. این ناشی از ضعف معرفت و ایمان است. اگر کسی واقعاً باور کند که زندگی دنیا با زندگی آخرت هیچ قابل مقایسه نیست، از یک چشم به هم زدن هم کمتر است، زیرا آن محدود و این نامتناهی است و نیز باور کند که تحمل ترک بعضی از لذت‌های این جهان موجب بهره‌مندی از سعادت و لذت ابدی می‌شود، تحمل این رنج‌ها خیلی برایش سهل خواهد شد. ولی در اثر ضعف ایمان و معرفت معمولاً انسان توجه‌اش به

همین لذت‌های دنیوی معطوف می‌شود و حاضر می‌شود چیزی را که موجب عذاب آخرت هست انجام دهد. گناهانی که اشخاص عاصی انجام می‌دهند بر همین اساس است، اگر از ایشان بپرسید که آیا این گناه موجب عذاب آخرت می‌شود یا نه؟ می‌گویند: آری. پس چرا انجام می‌دهید؟ می‌گویند چون لذت دارد. مگر ترک این گناه لذت آخرت را ندارد؟ و مگر آن لذت ابدی بر این لذت گذرا ترجیح ندارد؟ پس چرا این لذت را ترجیح می‌دهید؟ اینجا جواب عقل پسندی نمی‌تواند بدهند و خودش هم خودش را محکوم می‌کند، ولی عملاً زیر بار نمی‌رود، این به جهت ضعف ایمان و معرفت است. اگر ایمان قوی بشود و به گونه‌ای باشد که گویا عذاب آخرت را می‌بیند آن وقت تحمل سختی‌ها و صرف نظر کردن از لذت‌های گناهان برایش آسان می‌شود. این موضوع در تمام امور زندگی انسان جریان دارد. بدبختی‌ها، انحرافات، ذلت‌هایی که بسیاری از مردم و جوامع به آنها مبتلا شده‌اند در اثر راحت‌طلبی و فرار از رنج و زحمت بوده است.

طالبان لذت مجازی

در قرآن کریم روی دو طایفه تکیه شده که راحت طلب بوده‌اند و به جهت همین لذت‌طلبی و راحت‌طلبی تن به انجام کارهای سخت و مشکل و رنج‌آور

هنا قاعدون»^(۱۴) ای موسی، تو با خدایت با هم بروید با ایشان بجنگید و بیرونشان کنید وقتی شکست خوردند و بیرون رفتند آن وقت ما می‌آییم. حالا چه تصویری از این داشتند که موسی با خدا به جنگ ستمگران بروند؟! روشن است که این خوی راحت‌طلبی است، با اینکه می‌دانند به دنبال این مبارزه و جنگ، عزت، عظمت، راحتی، سیادت و حریت هست، ولی از همه اینها صرف‌نظر می‌کند تا راحت باشند. این یکی از مظاهر زشت راحت‌طلبی است که در امتی ظهور می‌کند و آنها را از بسیاری از سعادت‌ها محروم می‌سازد.

طایفه دومی که قرآن معرفی می‌کند (منافقین) هستند، تعبیر (منافقین) در سوره‌های مختلف و در باره گروه‌های متعددی به کار رفته است:

گروه اول: (یهودیان)،

یهودیان‌هایی که به مسلمانان و مشرکان می‌گفتند ما با شما هستیم و پیمان می‌بندیم.

گروه دوم: (مشرکان)

گروهی که به ظاهر اسلام آورده بودند و به مسلمانان می‌گفتند ما اسلام آورده‌ایم و تابع پیغمبر و دین شما هستیم ولی در باطن ایمان نداشتند.

گروه سوم: (مسلمانان ضعیف‌الایمان)

نمی‌دادند، در صورتی که به مقتضای فطرتشان می‌بایست این کار را می‌کردند تا به لذت‌ها و خوشی‌ها و سربلندی‌ها و بلاخره به سعادت ابدی برسند. لکن لذت‌طلبی مجازی و راحت‌طلبی و تن‌پروری مانع رسیدن آنها به لذات حقیقی شده بود.

طایفه اول:

طایفه اولی که قرآن مطرح می‌کند، بنی‌اسرائیل هستند که قرآن کریم به تکرار در باره آنان بحث فرموده و ابعاد زندگی و بینش‌ها و منش‌های ایشان را یادآوری کرده تا مومنین پند بگیرند. به عنوان نمونه بعد از خلاص شدن از چنگ فرعونیان، به آنان دستور داده شد که وارد شهری بشوند و با مشرکان و دشمنان خدا بجنگند و در آنجا سکونت گزینند و سیادت و آقایی داشته باشند. در جواب گفتند: «قالوا یا موسی ان فیها قوماً جبارین و انا لن ندخلها حتی یخرجوا منها فان یخرجوا منها فانا داخلون»^(۱۳) مضمون آیه این است که: «گفتند ما حوصله درگیری با آنها را نداریم و مادامی که آنان در این شهر هستند ما هرگز وارد این شهر نمی‌شویم، اینها باید بیرون بروند تا ما به راحتی وارد شهر بشویم و آن شهر را تصرف کنیم.»

«قالوا یا موسی انا لن ندخلها ابدًا ما داموا فیها فاذهب انت و ربك فقاتلا انا

بهتر و پایدارتر است. اگر ایمانشان را تقویت بکنند و معرفتشان بیشتر بشود به این نتیجه خواهند رسید، ولی آنان زحمت فکر کردن را هم به خود هموار نمی‌کنند، همین که دلشان می‌خواهد از این لذت‌ها استفاده کنند توجهشان معطوف به آنها می‌شود، چیزهای دیگر را پشت گوش می‌اندازند.

لذت و سعادت حقیقی:

قرآن کریم، اصل التذاد را یک امر فطری دانسته و نظر منفی بر آن ندارد بلکه ترجیح لذت‌های آنی و نامشروع را محکوم می‌کند که در تزاحم با حکمی واجب باشد و یا لذت‌هایی را محکوم می‌کند که نامشروع می‌باشد. از جمله می‌فرماید: (قل من حرم زینه الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الرزق).^(۱۶)

بگو ای پیامبر (ص) چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده است؟

و در ادامه آیه آمده است (قل هي للذين آمنوا في الحيوه الدنيا خالصه يوم القيامه)^(۱۷) کسانی که ایمان داشته باشند این لذت‌ها و زینت‌ها و نعمت‌های طیب و پاکیزه را به صورت کامل و خالص و بدون اینکه مشوب به آلام و سختی‌ها باشد در آخرت خواهند داشت.

که واقعاً مسلمان شده بودند اما ایمانشان بسیار ضعیف و متزلزل بوده و آنقدر نبود که تسلیم کامل پیامبر (ص) و دستورات اسلام مخصوصاً تکالیف سخت و مشقت‌بار بشوند. از جمله زیر بار جهاد نمی‌رفتند و هر وقت به جهاد فراخوانده می‌شدند بهانه‌جویی می‌کردند و حال آنکه جان دادن در راه خدا یکی از روشن‌ترین مظاهر ایمان است. آیات فراوانی در قرآن هست که منافقین زیر بار جهاد نمی‌رفتند و از تکلیف الهی شانه خالی می‌کردند، از جمله بخش عظیمی از سوره توبه از آیه ۳۸ به بعد در باره منافقین و ضعف‌الایمان‌ها است، که برای رفتن به جنگ بهانه‌گیری می‌کردند. همچنین در سوره احزاب آمده است که گاهی می‌گفتند: هوا گرم است، زمانی می‌گفتند حالا فصل میوه‌چینی و کشاورزی است و زمانی می‌گفتند که خانه‌هایمان حافظ و نگهبانی ندارد و در معرض خطر است و در جای دیگر می‌گفتند (شغلنا امواتنا و اهلونا) اموال ما و کسانمان، ما را گرفتار کرده‌اند.^(۱۵)

آنچه منشأ انحراف و فساد و بدبختی و انحطاط ایشان می‌شد همین روح راحت‌طلبی و دل‌بستگی به لذت‌های آنی و زودگذر بود و علاجش تقویت معرفت و ایمان است تا بدانند که این لذت‌ها، زودگذر و ناپایدار است و در مقابلش لذاذت اخروی

حال سؤال قابل طرح این است که آیا انسان به همین لذت‌های زودگذر اکتفا کند و دل به همین‌ها ببندد؟ هرچند مانع از لذت‌ها و زیبایی‌های آخرت بشود؟ یا اینکه در مقام تزاحم بین لذت‌ها، باید لذت‌های ابدی و آخرتی را مقدم بدارد؟

نکته قابل توجه این است که اگر در استفاده از طيبات و زینت‌ها محدودیتی قائل شدیم نه از باب لذت و زینت و طیب بودن آنها است (حرام عنوان ذاتی برای این موضوعات نیست) بلکه از این جهت تحریم شده که مانع از لذت‌ها و طیبات اخروی می‌شود؛ یعنی آن عنوانی که اصالتاً حرمت و ممنوعیت یا قبح و مذمت دارد. عنوان (مانع از سعادت آخرت و لذت ابدی) است. چون این لذت‌های دنیوی مانع آنها می‌شود از این جهت مذموم است، نه از این جهت که لذت و زینت است. در قرآن آمده است «زین للناس حب الشهوات من النساء والبنین والقناطر المقتطره من الذهب والفضه والحیل المسمومه والانعام والحراث.

ذلك متاع الحیوه الدنیا والله عنده حسن المآب»^(۱۸) بعد می‌فرماید: «قل اونئیکم بخیر من ذلکم للذین اتقوا عند ربهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدين فیها و

ازواج مطهره و رضوان من الله و الله بصیر بالعباد».^(۱۹)

علاقه مردم به این شهوات دنیاست از مال، فرزند، زنان و همسران و... اما باید بدانید «والله عنده حسن المآب»^(۲۰) و سرانجام نیکو، نزد خداست.

بعد به لسان روشن‌تر می‌فرماید: این لذت‌های دنیوی را شما خیر می‌دانید و دوست دارید، اما بهتر از اینها هم هست، آیا می‌خواهید آنها را به شما معرفی کنم؟ (آن باغ‌های بهشتی است که زیر درختان آن نهرها جاری است و زنان پاکیزه و طیب و آراسته برای شما است و این همه مخصوص مردم با تقوا می‌باشد.^(۲۱)

اگر کسی از مواد مخدر یا از مسکرات لذت ببرد لذتی برایش حاصل شده است اما به دنبالش یک بدبختی همیشگی دارد و یک موجود عاطل و باطل و بدبخت می‌شود، هر عاقلی می‌فهمد که این کار صحیح نیست و باید از آن لذت آئی صرف‌نظر کند تا این که این بدبختی‌ها به دنبالش نیاید. عین همین مطلب را نسبت به کل دنیا و آخرت بسنجید. اگر سراسر دنیا هم با خوشی و لذت می‌گذشت و به دنبال آن عذاب ابدی بود باید از لذایذ دنیا صرف‌نظر کند، چون لذت محدود با عذاب نامحدود قابل مقایسه نیست، چه رسد به اینکه لذات دنیا هم توأم با رنج و سختی و گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها

است. اینجاست که پای انتخاب پیش می‌آید و وارد حوزه اخلاق می‌شود. راحت‌طلبی صفت مذمومی است زیرا با این واقعیت که خوشی‌ها و سعادت‌های زندگی بدون رنج فراهم نمی‌شود، منافات دارد. شخص راحت‌طلب می‌خواهد همیشه خوش باشد، هیچ رنجی نکشد اما قرآن می‌فرماید: «لقد خلقنا الانسان في كبد»^(۲۲) خلقت انسان در این زندگی توأم با رنج و سختی است، پس راحت‌طلبی در این جهان بد است زیرا او را از کمال و سعادت و راحتی ابدی باز می‌دارد. اگر آدم در بهشت استراحت کند وصیح تا شب مشغول تماشای درختان بهشت و گل‌ها باشد و گوش به آواز بلبل‌های بهشتی فرا دهد و از غذاهای خوب تناول کند این بد نیست، چون مزاحمتی با کمال و سعادت دیگری ندارد. البته بدی و خوبی، راحت‌طلبی و لذت‌طلبی مراتبی دارد و ارزش‌های مثبت و منفی که از اختیار و گزینش بعضی از لذت‌ها بر بعض دیگر، ناشی می‌شود نیز مراتبی دارد. براساس بینش اسلامی، که حیات ابدی و اخروی اصل است و زندگی دنیا مقدمه آن است اگر چیزی مزاحم با لذت اخروی و موجب عذاب اخروی باشد ارزش منفی صددرصد دارد و به هیچ‌وجه تجویز نمی‌شود، زیرا لذت محدود قابل مقایسه با عذاب نامحدود نیست علاوه بر

این که از نظر شدت و ضعف هم قابل مقایسه نیستند چنین لذت‌هایی است که از نظر شرع مقدس تحریم شده است.

بعضی لذت‌های مجازی و فانی باعث محرومیت انسان از بیشتر لذایذ آخرت می‌گردد ولی موجب عذاب نمی‌شود، اصل ورود در دارالسعاده و بهشت مفروض است، اما در مراتب نازل بهشت قرار می‌گیرد و از مراتب عالی‌تری محروم می‌شود اینجا هم عقل می‌گوید که چنین لذتی مرجوح است اما نه چنان مرجوحیتی که موجب حرمت باشد. چنین التذادی از نظر فقهی مکروه یا ترک آن مستحب می‌شود.

اموری که مزاحم با لذایذ خاص اولیای خدا و انسان‌های متعالی و کامل است و افراد عادی استعداد درکش را ندارند و از حدّ نعمت‌های محسوس بهشت از قبیل خوردنی و آشامیدنی‌ها خیلی فراتر می‌رود و اینجاست که قرآن کریم می‌فرماید: «فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قره اعی»^(۲۳) طبعاً چیزهایی هم که مزاحم با چنین لذت‌ها و مقاماتی باشد ارزش منفی خاصی خواهد داشت، هرچند شرعاً مباح باشد و از این جا راز امتناع و پرهیز اولیای خدا حتی از التذادات مباح و تجملات مشروع، روشن می‌شود.



پانوشتها:

- ۱- اشارت‌های قرآنی
- ۲- انذارهای قرآنی.
- ۳- سوره زخرف، آیه ۷۱
- ۴- سوره محمد (ص)، آیه ۵۱
- ۵- سوره سجده (۳۲)، آیه ۱۷.
- ۶- سوره هود (۱۱)، آیه ۱۰۸.
- ۷- سوره هود (۱۱)، آیه ۱۰۶.
- ۸- سوره فاطر (۳۵)، آیه ۳۵.
- ۹- سوره نحل (۱۶) آیه ۹۷.
- ۱۰- سوره بلد (۹۰) آیه ۴.
- ۱۱- سوره اعلیٰ (۸۷) آیه ۱۶ و ۱۷.
- ۱۲- سوره اعلیٰ، آیه ۱۷
- ۱۳- سوره مائده، آیه ۲۲.
- ۱۴- مائده، آیه ۲۴.
- ۱۵- فتح، آیه ۱۱.
- ۱۶- اعراف، آیه ۳۲.
- ۱۷- همان
- ۱۸- آل‌عمران، آیه ۱۴.
- ۱۹- همان، آیه ۱۵.

۲۰- همان، آیه ۱۴.

۲۱- ترجمه آیه ۱۵ سوره آل‌عمران

۲۲- سوره بلد آیه ۴

۲۳- سوره سجده آیه ۱۷

• علاوه بر این در بحث از اینکه عامل بازدارنده از دل‌بستگی به لذائد دنیوی و زودگذر، ضعف ایمان و عدم توجه به لذائد پایدار می‌باشد، عاملی مهمتر نیز وجود دارد و آن عامل عشق به خدا است این نه تنها انسان را از دل‌بستگی به لذائد دنیوی باز می‌دارد بلکه از دل‌بستگی به لذائد اخروی نیز باز می‌دارد و تنها و یگانه عاملی است که حتی در دل مؤمنان راستین اگر محقق شود در عرصه‌های خطرناک تزاحم لذائد دنیوی و اخروی عامل عشق به خدا است که انسان را از هر دو لذت باز می‌دارد، سخن در این باره هم به اعتبار قرآن و هم به اعتبار تعالیم ائمه (ع) زیاد است. رضوان من الله اکبر که در آیه مورد استناد نویسنده آمده اشاره به همین نکته دارد یا آنجا که در دعای شعبانیه می‌فرماید: الهی لم یکن لی حول فانقلب به من معصیتک الی طاعتک الا فی وقت ایقظتني لمحبتک. این محبت نه دل‌بستگی به لذائد پایدار اخروی است و نه ترس از جهنم.

و هو معکم ایما کنتم

و او با شماست هر جا که باشید.